

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع. حامی و افزوده پورتال
۰۱ جون ۲۰۲۵

نکاتی چند در مورد افزوده قبلی پورتال

عزیزان گرامی سلام،

ابتدا از نشر مطلب جهانی سپاسگزارم. سپس مایلم نکاتی را در مورد "افزوده پورتال" دوستانه بیان کنم. من نیز با شما هم‌نظر هستم که پورتال در طول تاریخ فعالیتش توانسته است خود را از آسیب‌های قوم‌گرایی در امان نگه دارد و هرگز گروه طالبان را با قوم پشتون یکسان ندانسته است. این نکته نیز روشن است که نه حامد کرزی و نه اشرف غنی، نه اجازه داشتند و نه هم استقلال یا ابتکار عمل کافی برای تعیین سرنوشت افغانستان در دست‌شان بود. برای نمونه، زمانی که کرزی امپراتور بلخ، معلم عطا را از مقام ولایت برکنار کرد، ریچارد هالیروک از کابل با هلی‌کوپتر به مزار رفت و او را دوباره به کرسی ولایت نشاند.

امروز هم، برخی از وطن‌فروشان قوم‌گرا می‌خواهند اشرف غنی را جایگزین ایالات متحده معرفی کنند، تا از یکسو کینه خود را نسبت به قوم پشتون تخلیه کرده و از سوی دیگر به امریکا خوش‌خدمتی نموده باشند. اشرف غنی قرارداد امنیتی با امریکا را بدون چون‌وچرا پذیرفت. تا مدت‌ها نیز سقوط رژیم خود را نه ناشی از تصمیم ایالات متحده، بلکه نتیجه اشتباه خلیل‌زاد و دیگران می‌دانست. اما در اواخر، شروع به افشاگری‌هایی علیه امریکا کرد که شاید نشان از آن باشد که خود او نیز به این نتیجه رسیده باشد، که امریکا دیگر توان لشکرکشی و نصب چهره‌های مورد نظرش بر اریکه قدرت را ندارد.

پدر حامد کرزی با استخبارات امریکا همکاری داشت، و خود کرزی نیز اذعان دارد که در دوران جهاد با استخبارات امریکا و دیگر کشورهای غربی همکار بوده است. پس از سفری به امریکا که در آن خواست تا در مورد قرارداد امنیتی مذاکره کند، اما با بی‌اعتنائی و رفتار تحقیرآمیز مواجه شد، اعتمادش را نسبت به ایالات متحده از دست داد و شروع به افشاگری کرد. می‌دانم که شما در این مورد نظر خود را دارید و این حق مسلم شماست.

درست است که استعمار امریکا، با عبرت از تجربه‌های پیشین خود، به این نتیجه رسیده بود که هم دولت و هم اپوزیسیون را باید در اختیار داشته باشد. از همین رو، هم دولت دست‌نشانده را حمایت می‌کرد و هم مخالفان طالب آن را. اما به دلیل بحران اقتصادی، امریکا دیگر نمی‌توانست حضور خود را در افغانستان حفظ کند و ناچار به عقب‌نشینی شد.

چنان که در ایران نیز در زمان شاه، پس از تحریک قیام‌های مردمی، در نهایت هیچ‌یک از سه آلترناتیو قدرتمند (حزب توده و چریک‌ها، ملی‌گرایان و مجاهدین خلق) به نفع آمریکا نبودند، لذا خمینی را از تبعید در عراق به پاریس بردند و با استفاده از رسانه‌های غربی، از او چهره‌ای برجسته ساختند. متأسفانه، انقلابیون ایرانی نیز آنچنان ساده برخورد کردند، که موثر خمینی را بر شانه‌های خود از فرودگاه تا مقر فرماندهی‌اش رساندند.

در افغانستان نیز، آمریکا میان "جمهوریت" ساخته و پرداخته خودش و طالبان، گزینه طالبان را ترجیح داد. زیرا این گروه را برای منافع خود مفیدتر تشخیص داد. البته، در این زمینه دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد: برخی خروج آمریکا را تاکتیکی می‌دانند و برخی آن را نتیجه بحران شدید اقتصادی و زوال قدرتش.

در سال‌های ۸۶ و ۸۷ میلادی نیز، میان برخی اعضای رهبری یکی از سازمان‌های سیاسی افغانستان، بحثی بود که شوروی بر اثر فشار اقتصادی ناشی از جنگ افغانستان ناچار به عقب‌نشینی خواهد شد. برخی دیگر این نظر را رد می‌کردند و رژیم نجیب را چنان پوشالی می‌دیدند که با یک تلنگر سقوط خواهد کرد. اما خروج شوروی و نبرد جلال‌آباد درستی دیدگاه گروه اول را تأیید کرد.

وقتی اشرف غنی به اردوی ملی و پولیس دستور داد، تا از حالت دفاعی به حالت تهاجمی تغییر موضع دهند، در عرض یک هفته بیش از هزار طالب کشته شدند. همین موضوع باعث شد که ابتداء بارک اوباما به او تماس تلفنی گرفته و دستور لغو این فرمان را بدهد و سپس خلیل‌زاد به سرعت به کابل فرستاده شد تا اشرف غنی را مطیع سازد. اشرف غنی بشدت اعتراض کرد که چرا او و دولتش در مذاکرات کنار گذاشته شده‌اند، اما کسی به حرفش توجه نکرد. چون کسی که نان می‌دهد، فرمان هم می‌دهد. همه می‌دانستند که آمریکا طالبان را انتخاب کرده است، و هیچ‌کس جرأت مخالفت نداشت.

در مورد اینکه طالبان ساخته و پرداخته چه کسی‌اند، دو موضع وجود دارد: موضع ضدامپریالیستی که آمریکا را عامل آوردن طالبان می‌داند و دیگران را صرفاً فرمان‌برداران. موضع قوم‌گرایانه که قدرت و ابتکار عمل چهره‌های پشتون را آن‌قدر بالا می‌برد که گویا خلاف اراده آمریکا، زمینه بازگشت طالبان را فراهم کردند.

طالبان امروز نه به‌خاطر قدرت‌شان، بلکه به‌دلیل ضعف، تشنیت فکری و پراکندگی نیروهای ملی و انقلابی به قدرت رسیده‌اند. هیچ‌کس با وجدان بیدار و دلسوز میهن نمی‌تواند یا نباید از گروهی جاهل و زن‌ستیز حمایت کند. همه خواستار پایان حاکمیت عقب‌ماندگی‌اند. اما دو راه پیش روی ماست:

۱) جنگ‌سالاران و مزدوران آمریکا و ناتو خواب بازگشت آمریکا را می‌بینند تا طالبان را سرنگون و آن‌ها را برای بار سوم بر تخت بنشانند. قوم‌گرایان غیرپشتون و حتی برخی روشنفکران نیز چنین آرزویی در دل دارند.

۲. نیروهای ملی و مردمی خواهان سرنگونی طالبان و برقراری حاکمیت ملی و انقلابی هستند. آنان مجبور اند با حوصله و بی‌سروصدا در میان مردم کار کنند. راهی دشوار، طولانی و پُر از فداکاری، اما یگانه راه واقعی برای رهائی کشور است.

روشنفکران و نیروهای ملی، مترقی و انقلابی باید از ضعف‌ها و اشتباهات گذشته بیاموزند و با درپیش گرفتن وحدت و همکاری، برای برقراری یک حاکمیت مردمی و مستقل تلاش کنند.

من راه دیگری نمی‌شناسم. نمی‌دانم دوستان پورتال چه نظری دارند؟

با آرزوی موفقیت و سربلندی شما عزیزان،

ع. حامی

افزوده پورتال:

با درود های فراوان،

همکار نهایت عزیز، از این که "افزوده پورتال" را مطالعه و آن را قابل بحث دانستید، یک جهان ممنون. صمیمانه باید بنویسم که بعد از تقریباً ۱۸ سال فعالیت رسانه‌ای و نوشتن ده ها و صد ها افزوده و یادداشت می بینیم و می خوانیم که یک تن از هموطنان گرامی بدان توجه می نمایند و بدون آن که با عصبانیت برخورد کند در صدد تکمیل و احیاناً اصلاح آن بر می آید، ضمن ابراز امتنان جای دارد به آن هموطن تبریک نیز گفت آنهم بدان علت که می داند یادداشت، حاشیه و افزوده نویسی بر پای مقالات، دشمنی با نویسنده مطلب نیست بلکه جدی گرفتن آن مطلب است.

به هر حال تا جایی که به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" رابطه می گیرد، ویراستاران و اداره پورتال نوشته های هموطنان را بدون استثناء خود می خوانند و در صورت لزوم با نگاشتن افزوده های تکمیلی، اصلاحی و انتقادی بر غنای مطلب می افزایند و از این که افزوده های ما در هر یک از موارد، باب مکاتبات بعدی را بکشاید صمیمانه استقبال می نمائیم.

و اما در مورد بحث آنروز و ادامه بخشی از آن در نگاشته کنونی.

*- این که ما به طالب هویت قومی نمی دهیم و دامن پاک قوم پشتون را با ناپاکی های طالب آلوده نمی سازیم، بر می گردد به موضع ما در قبال مزدوران حاکمیت های بیگانه. به نظر ما یک مزدور اجنبی نه قوم دارد، نه مذهب دارد، نه زبان دارد و نه هم هویت شخصی. یک مزدور اجنبی حافظ منافع و عامل اجرای احکام بادرانش است، تعمیم اراده بادران برای آنها بیشتر از ناموس شخصی و ملی اولویت دارد، چنانچه خود نگاشته اید که "اشرف غنی" با تمام طمطراق هایش وقتی با مخالفت شخص "اوباما" و آمدن "خلیلزاد" مواجه شد، چنان ستراتیژی مقابله با طالب را تغییر داد که به اعتراف شخص خودش بیش از ۴۵ هزار از فرزندان ناآگاه و محتاج کشور را که در صورت موجودیت یک جنبش آزادیخواهانه و مترقی بالقوه می توانستند، خون شان را نثار راه افتخار آمیز آزادی و آزادی نمایندگان، نه تنها در باتلاق خون طالب غرق نمود بلکه لکه ننگ تاریخی را نیز بر جبین شان حک کرد؛

*- وقتی یک نیروی اشغالگر امپریالیستی بر کشوری می تازد و آن را به مستعمره مقهور خودش مبدل می سازد، به خصوص زمانی که اداره استعماری اش را به یک اداره مستعمراتی استحاله می نماید، مسلم است که در چنان شرایطی نقش عوامل بومی، به مثابه بازوی دراز استعمار در عمل و الگوی تحمیل در نظر، چنان برجستگی می یابد که نباید هیچ گاهی نقش آنها را در روند تکامل و نابودی قضایا کم بها داد تا چه رسد به این که نادیده گرفت.

هموطن گرامی،

یک لحظه فکر کنید که در ۱۸۳۹ یعنی نخستین تجاوز علنی انگلستان بر سر زمین ما، "شاه شجاع" در پیشاپیش سپاه انگلیس وجود نمی داشت، باز هم فکر تان را ۱۹۷۹ معطوف سازید و ۱۲۰ هزار سرباز روس را بدون "ببرک کارمل" این شاه شجاع روسی مجسم سازید به همین سان سال ۲۰۰۱ اشغالگران امریکائی و شرکای آنها را بدون "کرزی ها، اشرف غنی ها، ظاهر شاه و مجموع خاندان سلطنتی، شورای نظار از فهم گرفته تا برادران مسعود و از عبدالله گرفته تا قانونی و ربانی، حزب وحدت و آحاد آن از خلیلی و محقق گرفته تا سرور دانش، از سیاف گرفته تا گلبدین به اضافه خیانتکارانی که به چپ اشاره می دادند و به راست یعنی در پای امپریالیسم امریکا سجده می کردند" نمی بودند آیا خیزش ها و مقاومت های ضد بیگانه در همان مرزهای کشور متمرکز نمی شد؟

هموطن گرامی،

ما به همان سان که نقش اشغالگران و بیگانگان را در ویرانی کشور خود و سایر کشور ها برجسته می سازیم مکلفیت وجدانی و تاریخی داریم تا مزدوران و جاده صاف کنان استعمار را "به هر رنگی که جامه پوشیده باشند" اگر نه ده ها چند بیشتر لااقل در حد استعمار رسوا و مفتضح نماییم. فقط در چنین صورتیست که مزدوران بیگانگان برای نسل های بعد درس و عبرتی می گردند.

هموطن گرامی،

تا جایی که به خاطر می آوریم نسل هائی که اکنون بین ۷۰ الی ۸۰ سال عمر دارند، دروس تاریخ مکاتب علی رغم کمی و کاستی های خودش، حداقل در قسمت افشای "شاه شجاع" ها چنان روحیه ای را پرورش داده بود که تا آمدن "ببرک کارمل" کسی را با "شاه شجاع" تشبیه کردن از هزاران فحش خواهر و مادر دردناک تر بود، مگر با آوردن ببرک به وسیله روسها و پرورش نیروهای اخوانی در ایران و پاکستان به گفته استاد "موسوی"، «قباحت قبح خود را از دست داده»، باعث گردید تا نوکران زرخیز استعمار که دستان شان تا مرفق به خون جوانان این میهن آغشته است، مغالزه های شان را با استعمار فراموش نموده، می خواهند باز هم ادای وطنخواه و آزادی دوست را بلند نمایند.

هموطن گرامی،

پورتال هرچند خط درشتی بین اشتباه و خیانت کشیده است مگر درب ندامت، توبه و اعتراف به خیانت را بر روی هیچ کسی نمی بندد تنها شرط این است که صادقانه بدون غل و غش، در پیشگاه ملت حاضر شده، اعمال خاینانه شان را بدون مجامله افشاء و از متضررین پوزش بخواهند.

وقتی مشخص در مورد "اشرف غنی" صحبت نمائیم، علی رغم این که او از جمله خاینانی است که تا موی سر در خیانت و جنایت غرق است، باز هم اگر خواسته باشد دیوان هفت من کاغذ خیانت هایش را بنگارد و از مردم افغانستان پوزش بخواهد با آن که با چنین توبه نامه دادنها از قطر آن دیوان کم نمی شود، حداقل برای درس آموزی نسل جوان کنونی و نسل های آینده آن نفرت و انزجار علیه شاه شجاع، ببرک، نجیب، امین، تره کی، ربانی - مسعود، گلبدین - سیاف و مزاری - خلیلی - محقق، عبدالله - دوستم - قانونی - فهیم، کرزی و خودش را می باید آشکارا انتقاد و چنان نهادینه سازد که مردم بعد از بردن نام آن خاینان، دهان شان آبکش نمایند.

هموطن گرامی،

افشای خیانت کارانی از قماش آنهایی که نام شان در سطور بالا تذکار یافت، حمایت از امریکا و کتمان جنایات امریکا نیست، بلکه تأکید مجدد بر جنایتگری و خیانتگری امریکا است که حتا فرزندان را که از مادر افغان تولد شده اند، با خود به خیانت کشانیده اند.

همون گرامی،

راجع به سؤالی که پرسیده اید نظر ما چیست، نمی دانم آن را کم لطفی شما هموطن گرامی بدانم که علی رغم نگارش و نشر هزاران مقاله در زمینه باز هم موضع ما را پرسیده اید و یا واقعاً ما کم کاری کرده ایم و نتوانسته ایم آن طوری که باید مواضع مان را بیان داریم، در هر دو صورت پاسخ به سؤال تان را می گذاریم به یک نگارش مستقل، چه شما هم حتماً این نکته را شنیده اید: "این رشته سردراز دارد"

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"